

## ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان در قرآن مورد مطالعه: صفت خُلُقِ «ریسک‌پذیری»<sup>۱</sup>

محمد امینی\* / نادر نادری\*\* / بیژن رضایی\*\*\*

### چکیده

درحالی‌که برخی پژوهشگران غیرمسلمان تلاش کرده‌اند تا ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی را بر اساس کتاب مقدس خود بازتعریف نمایند، این پژوهش درصدد بود تا یکی از مهم‌ترین صفات کارآفرینان یعنی ریسک‌پذیری را بر اساس آیات قرآن بازتعریف نماید. روش انجام این پژوهش، معنی‌شناسی و جامعه مورد مطالعه، کل قرآن و نسخه کامل تفسیر المیزان بود. نتایج حاکی از آن بود که ریسک‌پذیری به‌عنوان یک صفت برخاسته از کارآفرینان غربی، متضمن مفاهیمی است که با آموزه‌های قرآنی فاصله دارد اگرچه برخی از مفاهیم موجود در ریسک‌پذیری مانند اتکا به ظن و گمان در شرایط عدم امکان دستیابی به اطلاعات، مورد تأیید است. با توجه به تحلیل‌های معنی‌شناسانه آیات، صفاتی چون «مشاوره»، «عزم»، و به‌ویژه «توکل» جایگزینی قرآنی برای صفت ریسک‌پذیری هستند. این پژوهش تلاشی بود در برابر ورود ضمنی برخی مفاهیم ناسازگار که در ادبیات کارآفرینی برخاسته از غرب وجود دارد و مقدمه‌ای است برای بومی‌سازی و اسلامی‌سازی دانش کارآفرینی.

### واژگان کلیدی

کارآفرینی اسلامی، صفات شخصیتی کارآفرینی، قرآن، معنی‌شناسی.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری محمد امینی با عنوان «تحلیل محتوای تطبیقی کتب مقدس براساس

ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی مورد مطالعه: قرآن و اناجیل» می‌باشد.

amini.sajad@ymail.com

naderi\_ksh@yahoo.com

rezaee61@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳

\*. دانشجوی دکتری رشته کارآفرینی، دانشگاه رازی.

\*\* . استادیار گروه کارآفرینی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول).

\*\*\*. استادیار گروه کارآفرینی دانشگاه رازی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۳۰

## مقدمه و طرح مسئله

غالباً اندیشمندان کارآفرینی همانند هر رشته دیگری، نسبت به انتقال دستاوردهای علمی به داخل کشور اشتیاق داشته و تلاش می‌کنند مجموعه دانش بومی را با اقتباس از آثار خارجی غنا بخشند. این امر در کنار ضرورت و سودمندی‌هایی که دارد، مستلزم ملاحظات نیز هست چون انتقال علوم به ویژه علوم انسانی، تزریق ضمنی برخی مبانی را نیز به همراه خواهد داشت. ادبیات کارآفرینی نیز مانند بسیاری از رشته‌های دیگر از مراکز علمی اروپا و آمریکا برخاسته و نشو و نما یافته است (مقیمی، وکیلی و اکبری، ۱۳۹۲: ۱۶) و از این قاعده مستثنا نیست، به‌ویژه که کارآفرینان به‌عنوان یک قشر اثرگذار در جامعه، نیازهای جامعه را تولید می‌کنند و می‌توانند در ذائقه‌ها و سلیقه‌های جامعه اثرگذار باشند. (Tsague, 2014) در این باره می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان و به‌طور موردی به صفت «ریسک‌پذیری» اشاره کرد. طبعاً این صفات از شخصیت‌های غیربومی و غالباً غربی شناسایی شده‌اند (Shane, 2007: 61) و در «رویکرد روانشناسانه به کارآفرینی» باور بر این است که وجود یا ایجاد چنین ویژگی‌هایی به بروز رفتارهای کارآفرینانه کمک خواهد کرد. (Olivari, 2016: IV) بدین ترتیب طبیعی است که اندیشمندان و مربیان کارآفرینی به منظور ترویج کارآفرینی این صفات را مورد آموزش و تأکید قرار دهند همچنان که شاهد توجه به شاخص‌ها و صفات کارآفرینی از جمله ریسک‌پذیری، تحمل ابهام، و ... در کتب آموزش حرفه‌وفن هستیم. (احمدی و فضائلی‌فر، ۱۳۹۲) ممکن است این صفات متضمن مبانی مختلفی باشد و زمینه را برای بروز برخی آسیب‌های موجود در نظام اقتصادی بسیاری از کشورها فراهم نماید همچنان که برخی پژوهشگران به بروز چنین عارضه‌ای (یعنی غلبه ایدئولوژی اقتصادی سرمایه‌داری) در بسیاری از کشورها اشاره کرده‌اند. (Carswell & Rolland, 2007: 163) از این‌روی پژوهش حاضر درصدد است صفت «ریسک‌پذیری» را بر مبنای آیات قرآن مورد بررسی قرار دهد و به این سؤال پاسخ دهد که آیا می‌توان ویژگی‌های شخصیتی مورد اتفاق در ادبیات کارآفرینی از جمله صفت «ریسک‌پذیری» را بر پایه آیات قرآن مورد تحلیل و بررسی قرار داد؟ بر اساس این هدف پژوهش این است که ویژگی یا صفت کارآفرینی «ریسک‌پذیری» را بر پایه آیات قرآن بازتعریف نماید.

ضرورت انجام این پژوهش را می‌توان به دو دلیل اصلی (فعالانه) و عارضی (منفعلانه) بیان نمود. دلیل اصلی این است که فضای کسب و کار در کشور اسلامی باید به سمت انطباق و همسویی با مبانی و حیاتی حرکت کند زیرا کارآفرینی از عوامل مذهبی نیز تأثیر می‌پذیرد. (Carswell & Rolland, 2004: 284) دلیل عارضی نیز به پژوهش‌ها و فعالیت‌های ارزش‌گرایانه در حوزه کارآفرینی مربوط می‌شود که ما را

به این مهم رهنمود می‌کند که بیندیشیم چرا جامعه کارآفرینان غیرمسلمان به تمسک از کتاب مقدس روی آورده‌اند تا ما نیز همچون آنها متوجه ارزشگرا کردن کارآفرینی با محوریت قرآن باشیم. به‌عنوان نمونه، برخی جوامع از جمله چین مسیحی طی انجام پژوهش‌هایی در تلاش هستند تا ارزش‌های کتاب مقدس (اناجیل) را وارد شخصیت کارآفرینان و فضای کسب‌وکار نماید. (Stückelberger, et al., 2016: 13 - 14) بنابراین برخی پژوهشگران خاطرنشان می‌کنند مذهب در بیشتر اقتصادها نقش عمیقی دارد. (Tracey, 2012: 121 - 124)

همچنین که باترا تصریح می‌کند بدون ملاحظه دقیق آموزه‌های کتب مقدس نمی‌توان یک چشم‌انداز کامل از کارآفرینی داشت به طوری که هر نگرشی نسبت به کارآفرینی که از این ملاحظات بیگانه باشد، به‌طور حتم به مادیات پرستی، فردگرایی و پول‌پرستی منجر می‌شود. به‌همین دلیل، وی مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی<sup>۱</sup> را براساس کتاب مقدس مسیحیت تحلیل، توصیف و تبیین کرد. (Butera, 2009: 2 - 3) بر اساس این، پژوهش حاضر درصدد است یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و صفات کارآفرینی یعنی «ریسک‌پذیری» را بر مبنای آیات قرآن بازتعریف کند.

### پیشینه تحقیق

مقالات و آثار بسیاری در پیشینه داخلی و خارجی وجود داشت که به مهم‌ترین موارد اشاره می‌شود. در پیشینه داخلی، مقاله «ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان در آئینه قرآن و کلام معصومان علیهم‌السلام» به لحاظ عنوان، بیشترین تشابه را با پژوهش حاضر نشان می‌دهد. به رغم این تشابه، در نتیجه این مقاله بیان شده که «تمامی ویژگی‌های فردی مطرح شده در ادبیات غرب، در متون اسلامی به وضوح قابل مشاهده و مورد تاکید می‌باشد». (مه‌ارتنی و رستمی، ۲۰۱۳: ۱۶)

به نظر می‌رسد این ادعا دست‌کم برای همه ویژگی‌ها صادق نباشد. به‌علاوه، این مقاله روش تحقیق را به تفصیل<sup>۲</sup> و با رعایت شفاف‌سازی بیان نکرده است که این امر موجب کاهش عمق استدلالی و اقلانعی مباحث شده است. در بدنه این مقاله نیز، تأکیدی بر استخراج ویژگی‌های شخصیتی صرفاً بر پایه آیات قرآن مشاهده نمی‌شود. در همین راستا، محمدرضا بیکی و نوروزی (۱۳۹۵) در یک مطالعه موردی با عنوان «شناسایی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان جهادی» در ضمن ارائه یک الگو، شش ویژگی شخصیتی را برای کارآفرینان جهادی شناسایی کرده‌اند که عبارتند از: اعتقاد به کار علمی، دانش مالی و اقتصادی، دانش مدیریتی، توفیق‌طلبی، ارزش‌های ملی، نوآوری

1. Entrepreneurial characteristics.  
2. Thick Description.

و خلاقیت. آنچه روشن است، صفت «ریسک‌پذیری» در نتیجه این پژوهش مشاهده نمی‌شود اگرچه این صفت به درستی در ادبیات نظری مقاله تبیین گردیده است. به علاوه، خنیفر و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه با صفات اخلاقی اسلامی» این نتیجه را بیان می‌کنند که سعی و تلاش و غنیمت شمردن فرصت، صفات اخلاقی متناظر با ویژگی «مخاطره‌پذیری» کارآفرینانه هستند. با وجود اینها، مقاله‌ای با عنوان «مبانی مؤلفه‌های کار و کارآفرینی در قرآن و روایت» با روش تحلیل اسنادی این نتیجه را بیان می‌کند که «ریسک‌پذیری منطقی» از ویژگی‌های کارآفرین در قرآن است. (امیری و امیری، ۱۳۹۳: ۴۲) در هر صورت به نظر نمی‌رسد با اضافه کردن کلمه «منطقی» بتوان یک مفهوم را به قرآن نسبت داد.

در پیشینه خارجی نیز، مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان، برگرفته از قرآن و حدیث» خاطرنشان می‌کند برخی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی برگرفته از آیات قرآن عبارتند از: تقوا به عنوان چارچوب، حلال بودن درآمد به عنوان مهم‌ترین اولویت، التزام به ارزش‌های اخلاقی والا، قابلیت اعتماد (Faizal, Ridhwan, & Kalsom, 2013: 192 - 194) این مقاله نیز اساساً نسبت به صفت ریسک‌پذیری توجه و تمرکزی ندارد. درعین حال مقاله دیگری با عنوان «پویایی‌ها و ویژگی‌های کارآفرینی: نگرش اسلامی» با هدف توسعه ویژگی‌ها و مدل کارآفرینی از نظر اسلام، برخی از ویژگی‌های برجسته کارآفرینی از جمله ریسک‌پذیری را با استناد به آیات قرآن و سخنان پیامبر اسلام ﷺ برشمردند. (Mamun, Hoque, 2014: 128 - 140) در مجموع به نظر می‌رسد پژوهش‌های پیشین به رغم ارائه دستاوردهای ارزشمند، بیشتر تلاش داشته‌اند تا ویژگی‌ها و صفات مورد اتفاق در ادبیات کارآفرینی را به تأیید قرآن و روایات اسلامی برسانند تا اینکه آنها را بر مبنای آموزه‌های قرآنی، ارزیابی یا بازتعریف نمایند.

### روش تحقیق

اساساً روش مورد استفاده در این پژوهش، روش تفسیر متن به متن یا قرآن با قرآن است که علامه طباطبایی در *المیزان* به کار گرفته است. در این روش، توجه به واژگان و آیات مرتبط، به درک معنی کمک می‌کند. بدین صورت که توجه به ارتباط بین واژگان در یک آیه و آیات مرتبط، اساس پژوهش قرار می‌گیرد. (مجتهد شبستری، ۱۳۸۱ و نصری، ۱۳۹۰) اگرچه این روش با روش معنی‌شناسی نیز قرابت و اشتراک دارد چون هر دو تلاش دارند تا با استفاده از خود متن به لایه‌های معنایی دست یابند. همچنان‌که ایزوتسو نیز روش معنی‌شناسی را برای درک معانی کتب مقدس به‌ویژه قرآن به کار

برده است. (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۲۲) اصل اساسی این روش نیز متن‌گرایی<sup>۱</sup> یا «استمداد از متن برای فهم معنی» است. بدین صورت که برای دانستن معنای واژه باید از متنی که واژه در آن به کار رفته کمک گرفت از طرق مقایسه کردن و همه واژه‌های کلیدی را در ارتباط با یکدیگر قرار دادن. (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۷۲) مطالعه علمی در چنین روشی، توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام بدون هر پیش‌انگاری است (صفوی، ۱۳۹۷: ۲۷) و روش معروف قرآن با قرآن علامه طباطبایی در میزان این مهم را محقق ساخت. از این رو، جامعه متنی مورد مطالعه، کل تفسیر *المیزان* انتخاب شد که علاوه بر اعتبار، جامعیت و خبرگی نویسنده، روش تفسیری - تحلیلی به کار گرفته شده در آن، با روش و هدف این پژوهش تناسب دارد.

به هر حال، روش انجام پژوهش بدین صورت بود که نخست، به منظور دستیابی به یک تصور از کل متن و حیانی و شناخت کلمات و اصطلاحات کلیدی، کل متن عربی قرآن با توجه به معنا قبل از مرور ادبیات کارآفرینی مطالعه شد و پس از مرور ادبیات کارآفرینی نیز با در نظر داشتن کلمات و اصطلاحات کلیدی، مجدداً کل متن عربی قرآن همراه با حساسیت نظری مطالعه شد و متناظر با آیات، تمام چهل جلد تفسیر *المیزان* (نسخه چهل جلدی) با حساسیت نظری مطالعه گردید و به‌طور اقتضایی به ترجمه سایر مترجمان قرآن نیز (۵ ترجمه مختلف قرآن) مراجعه شد و پس از حصول اشباع نظری اطلاعات، اقدام به تحلیل و استنتاج گردید.

در مرحله تحلیل و استنتاج با استفاده از علم لغت‌شناسی و اشتقاق به معنی اساسی و نسبی برخی الفاظ مورد نظر رجوع شد. سپس با توجه به بافت زبانی یا همان سیاق آیه، ارتباطات بین کلمات کلیدی با رسم پیکان برجسته شدند. در این مرحله، ترادف‌های موجود در آیات یعنی تشابهات دستوری و موضوعی نیز مورد کنکاش قرار گرفتند تا برخی جانشینی‌ها آشکار گردد. مضافاً اینکه توجه به افزایش تدریجی معنا از طریق افزایش تدریجی (مرحله به مرحله) واژه‌ها که تکنیک مورد استفاده در میزان نیز هست، برخی معانی را به دست می‌داد. به علاوه، در صورت لزوم از مطالب علم کلام و فلسفه و نیز سخنان ائمه معصومین علیهم‌السلام بهره گرفته شد. همچنین تکنیک‌ها و راهبردهای زیر به منظور ارتقای اعتبار نتایج به کار گرفته شدند:

- تناسب روش با مسئله<sup>۲</sup> پژوهش؛

- درگیری طولانی مدت محقق با متن مورد مطالعه؛

- عمق تحلیلی و حساسیت نظری؛

- بازاندیشی و خودانتقادی محقق؛

- عدم جزمی‌اندیشی و آمادگی ذهنی محقق برای تغییر؛

1. Contextualism.  
2. Indication.

- داورخوانی یا گفت‌وگو با اساتید حوزوی و قرآنی؛

- شفاف‌سازی مطالب یا توصیف غنی<sup>۱</sup> به منظور تسهیل برای نقد متن توسط خواننده.

(Uwe, 2009: 401 - 405؛ محمدپور، ۱۳۹۲)

### تبیین ابعاد مسئله و مبانی نظری

مطرح شدن کارآفرینی به‌عنوان یک قلمرو مطالعاتی در عرصه دانشگاهی را به شومپیتر<sup>۲</sup> (۱۹۳۴) نسبت می‌دهند که کارآفرینی را به‌عنوان موتور اصلی توسعه اقتصادی از طریق «تخریب خلاق»<sup>۳</sup> مطرح کرد. (مقیمی، و کیلی، و اکبری، ۱۳۹۲: ۱۱ - ۵) اما پیش از آن، ریچارد کانتیلون<sup>۴</sup> برای اولین بار در قرن هجدهم اصطلاح انترپرنیور<sup>۵</sup> به معنی کارآفرین را وضع و آن را کسی تعریف کرد که راه‌های استفاده از منابع را می‌بیند و ریسک را در سطوح مختلف تحمل می‌کند و کسب‌وکارهای مخاطره‌پذیر را براساس عدم اطمینان نسبت به موفقیت و سودآوری بر عهده می‌گیرد. به‌طور کلی، معنای مورد نظر او خوداشتغالی<sup>۶</sup> بود. درعین‌حال هبرت و لینک در کتاب «تاریخچه کارآفرینی» می‌گویند: این واژه ریشه فرانسوی دارد که در قرن هجدهم استفاده رایج اما غیردقیقی داشته است. ایشان تعریف موجود در فرهنگ لغت سواری<sup>۷</sup> را بازگو می‌کنند:

کارآفرین کسی است که یک پروژه را به عهده می‌گیرد؛ یک تولیدکننده یا صاحب کارخانه؛ یک سازنده یا معماری که ارباب و مالک هم هست. (Hebert, Link 2009: i, 1 - 5)

با وجود این مباحث، تعریفی که امروزه از مقبولیت گسترده‌تری برخوردار است، توسط شین، صاحب‌نظر برجسته کارآفرینی، ارائه شده است. طبق نظر او کارآفرینی فعالیتی است که شامل کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت می‌شود به این منظور که کالاها و خدمات جدید، شیوه‌های سازماندهی، بازارها، فرایندها، و مواد خامی عرضه شوند که قبلاً وجود نداشته‌اند. (Shane 2007: 4 - 6) به‌هرحال، همان‌طور که نخستین تعریف از کارآفرینی نیز نشان می‌دهد، ریسک‌پذیری و خطرکردن جزء ماهیت کارآفرینی معرفی شده است.

کارآفرینی به دلیل ماهیت بین رشته‌ای خود، وامدار شاخه‌های علمی متعددی است. به‌همین علت در ادبیات کارآفرینی چهار رویکرد عمده شامل رهیافت اقتصادی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، و

1. Thick Description.
2. Joseph Schumpeter.
3. Creative destruction.
4. Richard Cantillon.
5. Entrepreneur.
6. Self - employed.
7. Savary's DictionnaireUniversel de Commerce (1723).

سازمانی شناسایی شده‌اند. (مقیمی، وکیلی و اکبری، ۱۳۹۲: ۹۳) در دیدگاه روانشناسی<sup>۱</sup> که توسط مک‌کلند<sup>۲</sup> (1961) و کولینز و مور<sup>۳</sup> (1964) بنیان‌گذاری شد با محور قرار دادن فرد، به چرایی اقدام به کارآفرینی پرداخته می‌شود. به دیگر سخن، علل اقدام کارآفرینانه فرد، علاقه اساسی پژوهشگران در این رویکرد است و این باور وجود دارد که رفتار کارآفرینانه به انگیزه‌ها و ارزش‌های شخصی وابسته است. (Stevenson & Jarillo, 1990: 18 - 21) رویکرد روانشناسی مترادف با رویکرد صفات یا ویژگی‌ها<sup>۴</sup> است که بر شخصیت<sup>۵</sup> کارآفرین تمرکز دارد و برخی از آن با نام خصیصه‌ها یا ویژگی‌های شخصی<sup>۶</sup> یاد می‌کنند. (مقیمی، وکیلی و اکبری، ۱۳۹۲: ۹۲ و ۱۶۹ - ۱۶۷) بنابراین نظریه صفات یا ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان<sup>۷</sup> زیرمجموعه رویکرد روانشناسانه است که در دهه‌های هفتاد و هشتاد قرن بیستم رویکرد غالب در پژوهش‌ها بود. (Veciana J. M., 2007: 42)

گوردون ویلارد آلپورت<sup>۸</sup> نظریه توسعه شخصیت را فرمول‌بندی کرد که مفهوم «ویژگی یا صفت»<sup>۹</sup> در آن نقش برجسته و مهم دارد. (Schultz & Schultz, 2009: 242) صفات یا ویژگی‌های شخصی واحدهای بنیادی ساختار شخصیت فرد هستند و به آغاز و هدایت رفتار می‌انجامد. (شولتز، ۱۳۹۲: ۲۶۶، ۲۹۴ و ۲۹۵) بدین معنا که شخصیت و رفتار انسان نتیجه مجموعه‌ای از صفات‌های<sup>۱۰</sup> مختلف است. (شاملو، ۱۳۸۸: ۱۶۹) بر اساس این، صفت شیوه پایدار و باثبات واکنش نسبت به جنبه‌های محرک در محیط و تعیین‌کننده یا علت رفتارند و مسیر رفتار را هدایت می‌کنند. (شولتز، ۱۳۹۲: ۲۶۴) صفات را می‌توان در سه طبقه کلی جای داد:

۱. توانشی:<sup>۱۱</sup> هوش نمونه‌ای از صفت توانشی است. (همان) صفات توانشی استعداد و قابلیت و توانایی فرد را برای رسیدن به هدفی نشان می‌دهند. (شاملو، ۱۳۸۸: ۱۷۴)

۲. خُلُق و خو:<sup>۱۲</sup> شامل صفاتی همچون تهور، بی‌قیدی یا زودرنجی یک شخص است. این صفات شیوه‌ای را که یک شخص عمل می‌کند یعنی سبک رفتار او را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. (شولتز، ۱۳۹۲: ۲۹۵)

1. Psychological approach
2. McClelland.
3. Collins and Moore.
4. Trait Approach.
5. Personality.
6. Psychological Approach.
7. Traits Theory.
8. Gordon Willard Allport.
- 9 Trait.
10. Traits.
11. Ability traits.
12. Temperament traits.

۳. انگیزشی یا پویشی: <sup>۱</sup> فرد را به سوی هدف به حرکت درمی‌آورد (شاملو، ۱۳۸۸: ۱۷۴) و به انگیزش‌ها و علایق یا نیروهای کشاننده رفتار انسان مربوطند؛ مثلاً علاقه به کسب دانش یا تملک اشیا ناشی از صفات انگیزشی در درون فرد است. (فیست و فیست، ۱۳۹۱: ۴۵۹)

بر اساس این، «ریسک‌پذیری» جزء صفات خلقی است و همان‌طور که گفته شد این پژوهش درصدد توصیف و بازتعریف این صفت کارآفرینانه بر پایه آیات قرآن است.

### ریسک‌پذیری

ریسک‌پذیری به موقعیتی اشاره دارد که کارآفرین بعد از انجام محاسبات ممکن، اطمینان به ایجاد سود نداشته (شین، ۱۳۹۱: ۱۲۷) و به خطر کردن و تحمل ابهام <sup>۲</sup> متمایل می‌شود (Veciana J. M., 2007: 43; Beattie, 2016: 16) تا به موفقیت موردنظر خود دست یابد. همچنین این ویژگی ناظر بر اتخاذ تصمیم آتی یا حتی پیشگامانه بدون توجه به مخاطرات آتی (سرعت تصمیم‌گیری) است. تحمل ابهام نیز قابلیت تصمیم‌گیری در غیاب اطلاعات (مبارکی، کلابی و مهرابی، ۱۳۹۳: ۲۴۵ - ۲۱۹) را بیان می‌کند. به عبارت دیگر، تحمل ابهام یعنی پذیرش عدم قطعیت به‌عنوان یک هنجار در زندگی یا توانایی حیات با حداقل دانش درباره محیط. (محسنی و شفیع‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۴۸)

در مجموع، ریسک دلالت دارد بر پذیرش خطر (مانند عدم تحصیل سود یا از دست رفتن سرمایه) به‌علت وجود ابهام و عدم اطمینان. این ابهام نتیجه کمبود دانش و اطلاعات فرد است و از اینجاست که فرد با پذیرش ریسک به درصدی از شانس و احتمال (LONGMAN, 2016) و (Cambridge University Press, 2020) یا شهود <sup>۳</sup> (این باور یا احساس که چیزی بدون شواهد مثبتی درست است) تکیه می‌کند. (شین، ۱۳۹۱: ۱۴۵) به‌هرحال، بر پایه همه این مطالب، در ریسک دو مؤلفه اصلی وجود دارد:

- اتکا به ظن و گمان در نتیجه انجام محاسبات ممکن (در پیوستار علم - جهل، گمان فراتر از شک است اما به قطعیت و یقین نمی‌رسد).

- اتکا به شانس و احتمال در نتیجه کمبود آگاهی و اطلاعات.

در ادامه این دو مؤلفه براساس آیات قرآن به‌طور معناشناسانه مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند تا در نهایت نگرش قرآنی به ریسک‌پذیری حاصل شود.

1. Motivation (dynamic) traits.
2. Risk - taking propensity and Tolerance of ambiguity.
3. Intuition.



## یافته‌های قرآنی

### اتکا به ظن و گمان

زندگی انسان بدون اعتماد به ظن و گمان و استمداد از تخمین ممکن نیست و (به جزء امور اساسی مربوط به سعادت) به ندرت اتفاق می‌افتد که انسان به علم و یقین محض تکیه کرده باشد. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۴ / ۱۹۱) با استناد به قرآن انسان به علت محدودیت وجودی خود، در برخی امور محکوم به قصور دانش و اطلاعات است و لذا گریزی جز استمداد و اتکای به ظن و گمان نخواهد داشت: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا ...». (کهف / ۱۱۰)

همان‌طور که از این آیه می‌توان دریافت برای تحریک و اقدام انسان به عمل صالح، یقین و علم لازم نیست و رجا یا ظن کفایت می‌کند. بنابراین، به طور کلی ارتباط بین «رجا یا ظن» و «عمل» به دست می‌آید چون این آیه به ارتباط بین «امید (رجاء) و عمل» اشاره می‌کند و آیه (یونس / ۷) نیز مؤید همین ارتباط است. توضیح اینکه، وقتی انسان نسبت به چیزی امید دارد به عمل مقتضی اقدام می‌کند و چون امید نیز خالی از جهل به آینده نیست (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱ / ۲۶۸) از این جهت شبیه به ظن است چون ظن نیز مشتمل بر میزان کمی جهل است. پس می‌توان گفت ظن و گمان همانند رجاء و امید، انسان را به انجام عمل سوق می‌دهد بدین معنا که انسان براساس ظن و گمانی که برایش حاصل شده است می‌تواند تصمیمی را اتخاذ کند و دست به کاری ببرد. علاوه بر این، برای تشریح ارتباط بین ظن / رجاء و عمل می‌توان از ترادف واژگان در آیه پیشین و آیه ۴۶ سوره بقره نیز استفاده کرد:

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. (بقره / ۴۶)  
 فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا ... (کهف / ۱۱۰)

طبق نظر علامه طباطبایی، ظن در آیه اول (۴۶ سوره بقره) به معنای گمان است (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱ / ۲۸۲) و بر اساس این، روابط بالا نشانگر این مطلب است که به دلیل یکسان بودن موضوع دو آیه (ملاقات پروردگار: پیکان دوسویه) چنانچه واژگان معادل را از آیه بالا در آیه پایین جایگزین کنیم، ارتباط بین «ظن و عمل» ثابت می‌شود.

### اتکا به شانس و احتمال

منظور از شانس که در اصل یک کلمه فرانسوی است (عمید، ۱۳۸۹) معنای متداول آن یعنی بخت و

اقبال، میزان احتمال وقوع یک رخداد، یا نیرویی است که باعث وقوع یک رخداد می‌شوند بدون هیچ علت یا دلیل شناخته شده‌ای. (Cambridge University Press, 2020) از این روست که شانس و احتمال را مترادف دانسته‌اند.

با توجه به تأکید قرآن بر اینکه کیفیت زندگی انسان تنها معلول علل محسوس و مادی نیست (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱ / ۸۷) و با عنایت به آیه ذیل می‌توان نقش شانس و احتمال را در موفقیت‌های انسانی ارزیابی کرد:

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا  
يَعْلَمُهَا وَكَأَنَّ حَبَّةَ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَكَأَنَّ رَطْبًا وَكَأَنَّ يَأْسِرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. (انعام / ۵۹)

کلیدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او، کسی آنها را نمی‌داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد، مگر اینکه از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار [= در کتاب علم خدا] ثبت است

این آیه سقوط برگ از درختان را تحت علم خداوند می‌داند لذا هر امر مهم‌تری که در جامعه انسانی با عنوان شانس یا احتمال از آن یاد می‌شود نیز تحت علم خداوند خواهد بود. به علاوه همچنان که از عبارت «عنده مفاتيح الغيب لا يعلمها الا هو» برمی‌آید و در فلسفه و کلام اسلامی نیز بیان شده است علم و قدرت الهی با یکدیگر اتحاد ذاتی دارند یعنی هر آنچه تحت علم خداوند است حتماً تحت قدرت او نیز هست. پس رخدادهای مهم اعم از موفقیت یا شکست که در نزد برخی به شانس و احتمال منسوب می‌گردند تحت علم و قدرت خداوند واقع می‌شوند و هنگامی که در منشأ یک رخداد، علم و قدرت وجود داشته باشند، شانس و احتمال نفی می‌شود. در مقابل علم و قدرت خداوند، جهل انسان قرار دارد به طوری که حتی نسبت به آنچه که در کسب و کار خود به دست می‌آورد جاهل است. آیه ذیل به این جهل انسان اشاره دارد: «وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا».

(لقمان / ۳۴)

در معنای این آیه در خصال از امام صادق علیه السلام روایت شده: هیچ کس نمی‌داند که فردا چه چیزی کسب می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۳۲ / ۶۶ و ۶۹) بنابراین، می‌توان گفت منشأ توسل انسان به شانس و احتمال و متعاقباً ریسک، همین جهل او نسبت به دستاوردهای آتی است که آیه به آن اشاره دارد. اما با توجه به اینکه ثابت شد در صحنه هستی چیزی به نام شانس و احتمال وجود ندارد، پس باید آموزه جایگزینی وجود داشته باشد.

### توکل در مقابل اتکا به شانس و احتمال

وقتی شانس و احتمال علت موفقیت و شکست نیست و نباید به آن متمسک شد، آیه ذیل «توکل» را برای حصول موفقیت معرفی می‌فرماید:

... وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ... (هود / ۸۸)

... توفیق من، جز به خدا نیست! بر او توکل کردم ...

و آیه ذیل نیز چرایی توکل را بیان می‌فرماید:

وَأَلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ. (هود / ۱۲۳)

و همه کارها به سوی او بازمی‌گردد! پس او را پرستش کن! و بر او توکل نما! و پروردگارت از کارهایی که می‌کنید، هرگز غافل نیست!

یعنی چون همه امور به خداوند برمی‌گردد پس باید به او توکل کرد. آیه (اسراء / ۲) نیز به صراحت، ضرورت توکل را بیان می‌فرماید. به علاوه، تعریف توکل نیز چرایی آن را بیان می‌کند. توکل یا وکیل گرفتن به این معنا است که انسان کسی را در جای خود بنشانند به طوری که اراده او به جای اراده انسان و عمل او هم عمل انسان باشد. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۳۹ / ۲۴۱) بر اساس این، وکیل کسی است که شئون ضروری موکل و تدبیر امور و اداره اعمال را به دست می‌گیرد و اعمال را طوری تنظیم می‌کند که منافع و حوائج موکل خود را تأمین و ضررها و بلا را از او دفع کند (همان: ۱۴ / ۱۶۶؛ همان: ۲۵ / ۶۵، ۲۵۲، ۲۶۴ و ۳۴۰) البته یکی از واژه‌های هم‌معنی با توکل، «تفویض» است که آیه ذیل بدان اشاره دارد:

وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ. (غافر / ۴۴)

من کار خود را به خدا واگذارم که خداوند نسبت به بندگانش بیناست!

تفویض امر به خدا یعنی واگذاری امر به او و لذا تفویض با توکل قریب‌المعنا هستند، (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۳۴ / ۲۱۱) در ادامه ابعاد مختلف توکل به عنوان یکی از صفات جایگزین برای ریسک‌پذیری تشریح می‌شود.

### منشأ توکل

سرچشمه توکل و تکیه بر پروردگار این است که تمامی موجودات هم در حدوث و هم در بقا، محتاج

خدای تعالی هستند و آیات بسیاری تسلط غیبی خدا را بر ظاهر و باطن و اول و آخر و ذوات و افعال و حدوث و بقاء اشیاء اثبات می‌کند و براهین عقلی هم همین را تأیید می‌نماید. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۴ / ۱۴۸ و ۱۳۴) با بررسی معنی‌شناسانه آیات قرآن می‌توان این مطالب را تبیین نمود. پیش از هر چیز، منشأ توکل، خالقیت خداوند است که آیه ذیل بدان دلالت دارد:

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ. (أنعام / ۱۰۲)

همان‌گونه که جهت پیکان ارتباط بین «خالقیت الله» و «توکل انسان» را نشان می‌دهد، خداوند خالق وجود و نظام هر چیز است پس همو بر هر کاری وکیل و کارساز است. آیه بعدی نیز مؤید همین معنا است:

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ. (الزمر / ۶۲)

خدا آفریدگار هر چیزی است، و اوست که بر هر چیز نگهبان است.

اینکه خلقت و هستی یک چیز از خداوند است، مقتضی این است که او مالک آن چیز هم باشد و وقتی هر موجودی مالک خود نباشد قهراً خدای سبحان وکیل او و قائم مقام او و مدبر امر او خواهد بود چه موجود فرض شده از اسباب عالم باشد و چه از مسببات. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۳۴ / ۱۳۹) آیه بعد نیز به ارتباط بین خالقیت و وکالت خداوند (پیکان ممتد) اشاره دارد:

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ. (أنعام / ۱۰۲)

البته در آیه بالا علاوه بر ارتباط بین خالقیت و وکالت الهی، به ارتباط «ربوبیت و وکالت» (پیکان منقطع) نیز اشعار دارد. این ارتباط را آیه ذیل نیز به صراحت بیان می‌فرماید:

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ. (شوری / ۱۰)

این آیه می‌فرماید که چون خداوند، ربّ انسان است پس باید به او توکل کرد. آیه ذیل نیز مؤید همین معنا است:

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا. (مزمّل / ۹)

همان پروردگار شرق و غرب که معبودی جز او نیست، او را وکیل خود انتخاب کن.

«ربّ المشرق و المغرب» به معنای ربّ همه عالم است و ربوبیت یعنی «مالکیت تدبیر»

(طباطبایی، ۱۳۶۱: ۳۹ / ۲۴۱). به صراحت در آیه بالا دیده می‌شود که بعد از اشاره به ربوبیت الهی، انسان امر شده به اینکه خداوند را وکیل بگیرد. آیه بعد نیز مؤید همین مطلب است:

قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ... (الرعد / ۳۰)

بگو: «او پروردگار من است! معبودی جز او نیست! بر او توکل کردم ...»

بنابراین، مسئله توکل کردن بر خدا از آثار ربوبیت و متفرع بر آن است چون رب به معنی مالک و مدبر است. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۲ / ۲۷۰) آیه ذیل با صراحت بیشتر و با ذکر علت، به ضرورت و بایستگی توکل در نتیجه ربوبیت الهی اشاره دارد:

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا. (هود / ۵۶)

آیه بدین معنی است که بر الله که پروردگار من و شماست توکل کرده‌ام زیرا الله مالک و دارای سلطه بر من و شما و هر جنبنده دیگر است. عبارت «آخذ بناصیته» کنایه از کمال تسلط و نهایت قدرت است. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۰ / ۱۶۵) این آیه بیان می‌فرماید بایستگی توکل به الله از ربوبیت (مالکیت تدبیر) و تسلط او (آخذ بناصیته) ناشی می‌شود (جهت دو پیکان). آیه ذیل نیز مؤید تسلط الهی بر انسان است:

... هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ. (رعد / ۳۳)

او بالای سر همه ایستاده (و حافظ و نگهبان و مراقب همه است) و اعمال همه را می‌بیند.

«قائم علی شیء» به معنای تسلط است به طوری که دربردارنده تدبیر هم باشد و خدای سبحان هم قائم بر هر نفس است و هم قائم بر آنچه می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۲ / ۲۵۳) این قیام و تسلط الهی بر کسب و کار انسان همراه با علم الهی به کسب و کار نیز هست. آیه بعد به این مطلب اشعار دارد:

يَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ. (أنعام / ۶۰)

او کسی است که از آنچه در روز کرده‌اید، با خبر است.

در این آیه «جرح» به معنای کار کردن با چاره (دست) است و منظور از آن، کسب است یعنی خداوند می‌داند آنچه را که در روز به دست می‌آورید و کسب می‌کنید. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۳ / ۲۰۵) بنابراین، کسی که بر همه وجود و کسب و کار انسان علم و تسلط دارد، همو قابلیت توکل را خواهد داشت.

بعد از خالقیت، عالمیت، قائمیت و ربوبیت الله نوبت به انسان می‌رسد که به همین صفات الهی، ایمان بیاورد و در نتیجه به پروردگارش توکل کند. آیه ذیل ارتباط بین «ایمان الهی» و «توکل» را صراحتاً می‌رساند:

... إِنَّ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا ... (یونس / ۸۴)

.... اگر به خدا ایمان آورده‌اید، بر او توکل کنید ...

مؤمن می‌داند که خدا سببی است فوق همه اسباب و همه اسباب به او منتهی می‌شوند و تنها اوست که سررشته‌دار و مدبر همه چیز است. لذا ایمان به صفات الهی پیش گفته (خالقیت، عالمیت، قائمیت، و ربوبیت)، مؤمن را فرامی‌خواند که امر خود را تسلیم خدا کند و از اعتماد بر ظاهر اسباب اجتناب ورزد چون چنین اعتمادی ناشی از جهل است. در این آیه موسی مردم را امر کرد که بر خدا توکل کنند و در عین حال، توکل را مشروط به ایمان کرده است. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۹ / ۱۸۵) به هر حال، امر آیه به توکل، نشان می‌دهد که وکالت الهی در مرحله نخست، متوقف بر خواست انسان است. آیه بعدی نیز به ضرورت توکل در نتیجه ایمان به الله دلالت دارد:

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا. (ملک / ۲۹)

بگو: «او خداوند رحمان است، ما به او ایمان آورده و بر او توکل کرده‌ایم ...»

این آیه، انحصار در توکل به الله را می‌رساند چون «علیه» (جار و مجرور) بر فعل (توکلنا) مقدم شده است. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۳۹ / ۴۶) آیه ذیل نیز مؤید این مطلب است که ایمان باید منجر به توکل بر الله شود:

... عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ. (ابراهیم / ۱۱)

... افراد باایمان باید تنها بر خدا توکل کنند!

## کیفیت توکل

آیه ذیل به خوبی مراحل را برای توکل بیان می‌فرماید که خطوط پیکان نشانگر آن است:

وَشَاوَرَهُمْ فِي الْأُمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ... (آل عمران / ۱۵۹)

در این آیه سه مفهوم مهم یعنی «مشاوره»، «عزم»، و «توکل» وجود دارند. ابتدا راهبرد اساسی «مشاوره» ارائه شده است و به تدریج (مرحله به مرحله)، «عزم» و «توکل» یک راهبرد عملیاتی را

تکمیل می‌کنند. معنی مشاوره و توکل روشن اما معنی عزم بسیار مهم و درخور توجه است. عزم بدین معنی است که انسان ضمیر خود را به انجام کاری پیوند دهد و در امر جدیت داشته باشد. (دارالمشرق، ۱۹۷۳: ۵۰۴) لذا عزم مستلزم این است که انسان تصمیم جدی در امری داشته باشد. بنابراین با توجه به مطالب پیش گفته و با عنایت به تفاسیر ذیل آیه ۱۲۹ توبه (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۸ / ۳۶۳) و نیز تفسیر آیه (أنفال / ۶۱) توکل این نیست که انسان نسبتِ امور را به خود یا سایر اسباب، انکار کند یا هدف‌های خود را بدون طریقِ عادی دنبال نماید و اسبابِ ظاهری را هیچ‌کاره و لغو بداند؛ واگذاشتن اسبابِ ظاهری جهالت است (چون در آیات ۶۰ و ۶۱ انفال، توکل بعد از امر به اعداد آمده است و اعداد به معنای فراهم کردن یا فراهم شدن است) بلکه بدین معنا است که فرد اعتماد قطعی و نهایی به اسباب نداشته باشد و بداند اسبابِ ظاهری‌ای که سببیتش از طرقی چون تجربه یا مشاوره برای انسان آشکار است، علت تام موفقیت نیستند و اسباب دیگری نیز هست که ما از آن آگاهی نداریم و به‌رغم اینکه علل و اسباب ناشناخته ممکن است فرد را به تمسک به شانس یا احتمال بکشاند، سبب تام و تمام همه اسباب معلوم و مجهول، اراده خدای سبحان (همان: ۱۷ / ۱۸۴ - ۱۸۳) و او است که اسباب و مسببات را پشت سر هم می‌چیند و هرطور که بخواهد نظام می‌بخشد و به آنها اجازه تأثیر می‌دهد. (همان: ۳۸ / ۲۷۸)

با اعتقاد به چنین مفاهیمی است که ریسک‌پذیری در مقابل توکل رنگ می‌بازد چون اسبابی الهی بر طبق صلاح انسان متوکل در جریان است هرچند اسباب طبیعی و عادی او را در رسیدن به خواسته‌اش مساعدت نکنند.

پس توکل مستلزم این است که فرد معتقد باشد استقلال و اصالت منحصر از آن خدای سبحان است و در عین حال، تأثیر و سببیت غیرمستقل را برای خود و اسباب قائل باشد. این مطالب از آیات ۶۷ و ۶۸ یوسف قابل اقتباس است. (همان: ۲۲ / ۶۴ - ۶۰؛ همان: ۳۰ / ۲۲۶) در مجموع، توکل انجام وظیفه بر حسب امکانات و اتکای به قدرت الهی و واگذاری نتیجه به خدا است.

### فایده توکل

توفیق یافتن و موفقیت، خواسته هر فرد به ویژه کارآفرینان است به طوری که توفیق‌طلبی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کارآفرینان به شمار می‌رود. (McClelland, 1987: 233; McClelland & Alschuler, 1971; Tazeen, et al., 2019: 9) توفیق از نگاه قرآنی یعنی ایجاد موافقت و سازگاری بین اسباب عادی برای تحقق یک هدف (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۰ / ۲۷۷) با استناد به آیه ذیل، این سازگاری اسباب یا همان توفیق تنها به دست خداوند است:

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ. (هود / ۸۸)

و توفیق من [شعیب]، جز به خدا نیست! بر او توکل کردم.

به علاوه، دو آیه ذیل نیز تبیین کننده این مطلب هستند که چرا توفیق در کسب و کار و تحصیل دارایی و ارزاق به دست خداوند است:

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ. (زمر / ۶۳)  
کلیدهای آسمان و زمین از آن اوست و کسانی که نشانه‌های خدا را انکار کردند، آنانند که زیانکارانند.

مقالید یعنی کلیدها و «مالک کلیدهای آسمان‌ها و زمین بودن» کنایه است از اینکه خزینه‌هایی که هستی موجودات و ارزاقشان بدان‌ها وابسته است، ملک خدا است. این جمله تعلیل جمله «هو علی کل شیء وکیل» است (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۳۴ / ۱۴۰) یعنی چون کلیدهای آسمان‌ها و زمین نزد خداوند است پس او وکیل بر هر چیز است و لذا می‌تواند رزق و دارایی‌های افراد را بسط دهد. آیه ذیل نیز مؤید این معنی است:

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ... (شوری / ۱۲)  
کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آن اوست. برای هر کس که بخواهد روزی را گشاده یا تنگ می‌گرداند ...

اینکه برای آسمان‌ها و زمین کلید اثبات می‌کند دلالت دارد بر اینکه در آسمان‌ها و زمین گنجینه‌هایی هستند برای حوادث و آثاری که به وقوع می‌پیوندند. «بسط و قدر رزق» نیز به معنای توسعه دادن و تنگ کردن رزق است و کلمه رزق به معنای هر چیزی است که حوائج انسان را برآورد تا هستی‌اش استمرار یابد. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۳۵ / ۴۲) به علاوه، آیات ذیل نیز به ارتباط بین حسیب بودن پروردگار و توکل اشعار دارند:

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا؛ (النساء / ۸۶) خداوند حساب همه چیز را دارد.

قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ؛ (زمر / ۳۸)

بگو: «خدا مرا بس است. اهل توکل تنها بر او توکل می‌کنند».

جمله «حسبی الله» امر به توکل می‌کند همچنان که جمله «یتوکل» مؤید آن است. این جمله در جای نتیجه حجت قرار گرفته گویانکه فرموده «به ایشان بگو من خدا را وکیل خود گرفتم برای اینکه



امر تدبیر من به دست اوست». اگر فعل توکل را به وصفی از همان ماده (متوکلین) نسبت داد برای این است که دلالت کند بر اینکه منظور از متوکلین، متوکلین حقیقتی است. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۳۴ / ۱۰۵) آیه ذیل به خوبی ارتباط بین حسیب بودن پروردگار و بایستگی توکل را بیان می‌فرماید:

مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا. (طلاق / ۳)

هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند ...

حسب از ریشه حساب است؛ یعنی در کفایت نمودن خدا برای انسان حسابی در کار است. این اکتفا به ذات الهی بر حسب ایمان قلبی است نه بر حسب علل و اسباب خارجی و سنن تکوینی. توضیح اینکه، بشر برای موفقیت در زندگی مادی به دو گونه اسباب احتیاج دارد یکی اسباب طبیعی و دیگری اسباب روحی. انسان برای رسیدن به هدف خود پس از آنکه علل و اسباب طبیعی را مهیا کرد، باید موانع روحی از قبیل سستی اراده، ترس، اندوه، بی‌خردی، بدبینی و ... را از میان بردارد و آنگاه که با توکل قلب خود را به قدرت و عظمت الهی متصل کرد، اراده و سایر صفات روحی او آنچنان قوی می‌شوند که مغلوب عوامل دیگر نشده و به موفقیت نائل می‌شود. البته چنانکه از ظاهر آیه بالا برمی‌آید ممکن است در توکل به خدا جهاتی از خرق عادت نیز باشد. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۷ / ۱۱۳ و ۱۱۴) به هر حال، انسانی که به خدا توکل کند و امور خود را به او واگذار نماید هیچ کمال و نعمتی را که قدرت به دست آوردن آن را در خود می‌بیند از دست نمی‌دهد و آنچه را که امیدوار است به وسیله سعی و کوشش به دست آورد همان را خدای تعالی برایش فراهم می‌کند چون وقتی حدود و اندازه هر موجودی را خدای تعالی معین می‌کند (جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا) انسان متوکل هم که یکی از موجودات است از تحت قدرت خدا خارج نیست پس اندازه‌ها و حدود موفقیت او نیز به دست خدا است. این آیه ۳ طلاق از آیات برجسته قرآن است (همان: ۳۸ / ۲۷۸، ۲۷۹ و ۲۸۰) و آیه ذیل نیز مؤید ارتباط بین حسیب بودن الله و وکالت او است: «قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». (آل عمران / ۱۷۳)

بر اساس این، توکل به پروردگار حسیب، باعث کفایت انسان است و این معنا در آیات ذیل تصریح

شده است: «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا». (نساء / ۱۷۱)

(کفی بالله وکیلا) یعنی خدا برای سرپرستی شئون و تدبیر امور انسان کافی است و او را به چیزی

راهنمایی می‌کند که خیرش در آن است. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۹ / ۲۳۲) طبق این آیه علت کفایت وکالت

الله این است که او مالک هر چیزی در آسمان‌ها و زمین است و می‌تواند هر چیزی را ببخشد یا بگیرد.

همچنین با توجه به تفسیر آیه ۵۰ توبه، انسان در نتیجه توکل باید امر خود را به خدا واگذار کند

بدون اینکه در دل، موفقیت را نسبت به شکست ترجیح بدهد. اگر خداوند موفقیت را روزی فرد کرد، متنی بر او نهاده و اگر شکست ظاهری را اختیار کرد، سرزنشی بر فرد نیست و متعاقباً خود فرد هم ناراحت و اندوهگین نخواهد شد (همان: ۱۸ / ۱۸۵) و آیات حدید ۳۳ تغابن ۱۱ محمد ۱۱ آل عمران ۶۸ شوری ۹ مؤید این معنا هستند. (همان: ۱۸ / ۱۸۶) پس توکل، قدرت تحمل را نیز به انسان می‌دهد. همچنین طبق آیه ذیل و نیز تفسیر آیه ۳ احزاب، (همان: ۳۲ / ۱۲۱، ۱۴۲ و ۲۰۸) توکل دلوپسی را از بین می‌برد و موجب دلگرمی است:

إِنَّمَا التَّجْوِي مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَيَسَ بَضَارِهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ. (مجادله / ۱۰)

چنان نجوایی [منافقین] صرفاً از [القائات] شیطان است، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند دلتنگ گرداند، و [الی] جز به فرمان خدا هیچ آسیبی به آنها نمی‌رساند [چون زمام امور همه به دست خدا است (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۳۸ / ۳۰)]، و مؤمنان باید بر خدا توکل کنند.

بر این اساس، توکل حقیقی، در رفع دلوپسی و نگرانی انسان مؤثر است چرا که اولاً خداوند متکفل دفع ضرر از او است ثانياً انسان ضررهای احتمالی را مشمول علم و حکمت الهی دانسته و لذا آنها را اسبابی در مسیر نیل به خیر تلقی می‌کند.

البته آیات دیگری همچون (توبه / ۱۲۹، مائده / ۱۱، یونس / ۷۱، قصص / ۲۸) دلالت دارند بر اینکه توکل انبیاء الهی منجر به توفیق ایشان و تحصیل نعمات شده است. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۰ / ۶۲ - ۶۱؛ همان: ۲۱ / ۱۶۹ و همان: ۳۱ / ۴۴) آیه ذیل نیز یکی همین موارد است:

... فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (مائده / ۲۳)

..... هنگامی که وارد شدید، پیروز خواهید شد. و بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید!

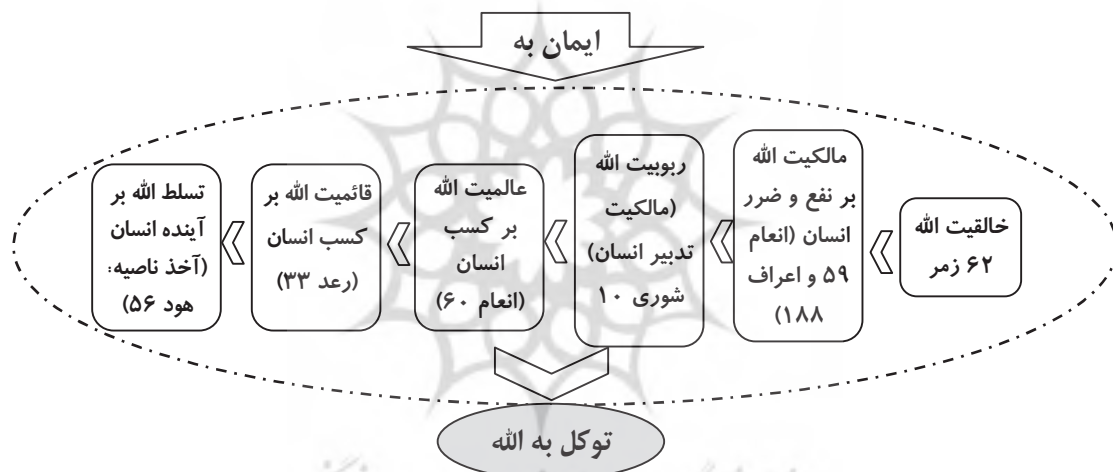
در این آیه رابطه‌ای بین توکل و پیروزی مشهود است.

## نتیجه

ریسک‌پذیری مشتمل بر مفاهیمی است که بخشی مورد تأیید و بخشی مردود است. ریسک‌پذیری مشتمل بر دو عنصر اصلی است: اولاً اتکالی به گمان و ثانیاً پذیرش شانس. در این مقاله تلاش شد با بررسی این دو عنصر در آیات قرآن، صفت کارآفرینانه ریسک‌پذیری بازتعریف شود. بر پایه آیات قرآن، کارآفرین به علت نارسایی علمش نسبت به آنچه در آینده کسب خواهد کرد (لقمان / ۳۴)

می‌تواند به ظن و گمان (بقره / ۴۶ و کهف / ۱۱۰) اتکا کند. اما انتساب حوادث به شانس و احتمال مردود است چون اساساً چیزی به نام شانس وجود ندارد. وقتی سقوط یک برگ که ظاهراً پدیده کم‌اهمیتی است از علم خداوند خارج نیست (انعام / ۵۹) پس موفقیت در کارآفرینی که امری مهم‌تر می‌نماید به طور حتم از علم الهی خارج نخواهد بود. (انعام / ۵۹ و اعراف / ۱۸۸) مضافاً اینکه علم پروردگار با قدرت او اتحاد ذاتی دارد یعنی هرآنچه تحت علم پروردگار است، عیناً تحت قدرت پروردگار نیز هست. بر اساس این اگر کارآفرین به توفیق (یا شکستی) دست می‌یابد، تحت علم و قدرت الهی این اتفاق افتاده و شانس و تصادفی در کار نیست.

به نظر می‌رسد پذیرش شانس در ریسک‌پذیری کارآفرینانه، به علت برداشتی انسان‌محورانه و اومانستی از زندگی انسان به ویژه در یعد اقتصادی بوده است. همچنان‌که بشلر بیان می‌کند برای پیدایش سرمایه‌داری لازم بود ریسک‌پذیری در حد افراط در برخی از افراد مستعد بروز کند و این امر با تغییر نظام ارزشی و کاهش اولویت و اهمیت مذهب اتفاق افتاد. (بشلر، ۱۳۷۰: ۸۶ و ۱۳۵ - ۱۲۸ و ۱۳۸) با عنایت به مجموع آیات بررسی شده می‌توان ضرورت توکل در فعالیت‌های کارآفرینانه در مقابل ریسک‌پذیری را در شکل ۱ نشان داد:



شکل ۱: تبیین نموداری برای منشأ و بایستگی توکل در فعالیت‌های کارآفرینانه

۱. قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبُ لَأَسْتَكْبَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ ... : بگو: «من مالک سود و زیان خویش نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد و اگر از غیب باخبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می‌کردم ... (اعراف / ۱۸۸) این آیه تصریح دارد که منافع تحت اراده خداوند متعال است و اراده خداوند از علم او جدا نیست. بنابراین، موفقیت کارآفرینانه که همان تحصیل سود است از اراده و علم الهی خارج نیست و با عنایت به تعریف شانس، هنگامی که اراده عالمانه برای یک پدید در کار باشد، شانس نفی می‌شود.

در این شکل، ارتباط بین خالقیت با توکل، ربوبیت با توکل، تسلط با توکل، و ایمان با توکل، (یونس / ۸۴) طبق ظاهر آیات بررسی شده، مشهود و آشکار است و ارتباط بین «مالکیت نفع و ضرر» با توکل، «عالمیت بر کسب» با توکل، و «قائمیت بر کسب» با توکل، نیز روشن و آشکار است. در حقیقت، ریسک‌پذیری و توکل در علت و هدف مادی مشترک هستند چون علت هردو نارسایی علم کارآفرین نسبت به عوامل محیطی، و هدف هر دو کسب موفقیت و منافع آتی است در عین حال، توکل دارای علت و هدف معنوی نیز هست که عبارتند از ایمان به ربوبیت الله و قرار گرفتن تحت تدبیر او و به خاطر همین ایمان به ربوبیت و تدبیر الهی است که توکل الزاماً مستلزم تحقق هدف از پیش تعیین شده کارآفرین نیست. همچنین به دلیل همین ایمان به ربوبیت و تدبیر الهی، توکل تنها منحصر به نارسایی علم کارآفرین نیست یعنی حتی در اموری که نتیجه کار برای کارآفرین معلوم و مشخص است، باید به خداوند توکل کند.

از این‌رو، کارآفرین نباید خود و توانایی‌هایش را علت تام موفقیت بداند چون ممکن است نسبت به عوامل و علت‌های دیگر کنترل و حتی شناختی نداشته باشد؛ کارآفرین مسلمان با اتصاف به توکل، این عوامل و علت‌ها را منسوب و واگذار به خدا می‌داند اما کارآفرین سکولار آنها را صرفاً عواملی مجهول و خارج از کنترل تلقی می‌کند که باید با اتکای به شانس و احتمال با آنها مواجه شد. می‌توان گفت در ریسک‌پذیری، عنصری از جسارت و پیشگامی نیز هست اما به‌طور کلی، آنچه را کارآفرین مسلمان به منظور پیشینه‌سازی درآمدهای حلال از طریق پذیرش ریسک نیاز دارد می‌تواند با اتصاف به صفات قرآنی مشاوره، عزم (کار جدی)، و توکل به دست آورد و در عین حال، مبانی متألّهانه خود را نیز ملتزم باشد و فراتر این، عوامل روحی برای کسب موفقیت را در خود تقویت نماید چراکه اتکای به پروردگاری حسیب و حکیم (انفال / ۴۹ و نساء / ۸۶ با زمر ۳۸)، می‌تواند موجب تقویت و استحکام اراده، شجاعت، خوش‌بینی و دفع دلواپسی شود چون انسان متوکل اولاً باور دارد خداوند متکفل دفع ضرر از او است ثانیاً ضررهای احتمالی را مشمول علم و حکمت الهی دانسته (مجادله ۱۰)، آنها را اسبابی در مسیر نیل به خیر تلقی می‌کند و از این‌رو، در صورت بروز نتیجه نامطلوب، توکل برای فرد، نوعی تضمین خیر و قدرت تحمل را به ارمغان می‌آورد. بر همین اساس، انسان متوکل هیچ نعمتی را که توانایی تحصیل آن را با سعی و تلاش در خود می‌بیند، از دست نمی‌دهد. (طلاق / ۳)

۱. ... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ ... (آنها نمی‌دانستند که) هر کس بر خدا توکل کند، (پیروز می‌گردد چون) خداوند قدرتمند و حکیم است. (الأنفال / ۴۹) همان‌گونه که از آیه می‌توان دریافت و نیز با توجه به ترجمه آیه، توکل به خدای عزیز و حکیم، نوعی تضمین را دربردارد و همین امر می‌تواند فایده‌های ذکر شده در متن را به همراه داشته باشد.

بخشی از این مطالب با نتایج برخی پژوهش‌های مسیحی برای بازتعریف ریسک‌پذیری با استناد به کتاب مقدس هم‌خوانی دارد؛ به‌عنوان نمونه، باترا که ریسک‌پذیری معقول را ریسک‌پذیری مسیحی می‌داند بیان می‌کند ایمان باعث غلبه بر ترس (Butera, 2009: 4) در اقدام‌های کارآفرینانه می‌شود.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم (متن عربی).
۲. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، محمدباقر موسوی همدانی، مهدی الهی قمشه‌ای، حسین انصاریان، محمد مهدی فولادوند.
۳. احمدی و فضائلی فر، ۱۳۹۲، «تحلیل محتوای کتاب‌های آموزش حرفه‌وفن دوره‌ای راهنمایی براساس شاخص‌های کارآفرینی»، *مجله توسعه کارآفرینی*، دوره ۶ (شماره ۱)، ص ۱۸۳ - ۱۶۵.
۴. امیری، مهدی و زهره امیری، ۱۳۹۳، «مبانی مولفه‌های کار و کارآفرینی در قرآن و روایت»، *مشکوٰه*، شماره ۱۲۴، پاییز، ص ۵۹ - ۴۲.
۵. ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۶۱، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۶. ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۷۸، *مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه.
۷. بشلر، ژان، ۱۳۷۰، *خاستگاه‌های سرمایه‌داری*، ترجمه رامین کامران، تهران، البرز.
۸. خنیفر، حسین، حسینی فرد، دهقان اشکذری و چزانی شراهی، ۱۳۹۱، «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه با صفات اخلاقی اسلامی»، *توسعه کارآفرینی*، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۹۱، ص ۶۶ - ۴۷.
۹. شاملو، سعید، ۱۳۸۸، *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت*، تهران، رشد.
۱۰. شولتز، دوان، ۱۳۹۲، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه کریمی، جمهری، نقشبندی، گودرزی، بحیرایی، نیکخو، تهران، ارسباران.
۱۱. شین، اسکان اندرو، ۱۳۹۱، *تئوری عمومی کارآفرین رویکرد فرد - فرصت*، ترجمه زارع، اکباتانی، پورنصرخاکباز، تهران، آراد.
۱۲. صفوی، کورش، ۱۳۹۷، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران، سوره مهر.

۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۴۵ - ۱۳۶۱، *تفسیر المیزان*، ترجمه موسوی همدانی، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم و کانون انتشارات محمدی.
۱۴. عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، اشجع.
۱۵. فیست، جست و گریگوری فیست، ۱۳۹۱، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه سید محمدی، تهران، روان.
۱۶. مبارکی، محمد، امیرمحمد کلابی و روزا مهرابی، ۱۳۹۳، *الگوهای تصمیم‌گیری کارآفرینان روش‌ها، چارچوب‌ها و نقشه‌های ذهنی (رویکرد کیفی)*، تهران، سمت.
۱۷. محمدرضاییکی، محمد رضا نوروزی، ۱۳۹۵، «شناسایی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان جهادی (بررسی موردی یک تجربه بومی واقعی)»، *مطالعات راهبردی بسیج*، دوره ۱۹، شماره ۷۱، تابستان، ص ۸۰ - ۵۷.
۱۸. محسنی، هدی سادات و حمید شفیع‌زاده، ۱۳۹۱، «بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، دوره ۱، شماره ۴، ص ۱۶۵ - ۱۳۳.
۱۹. مجتهد شبستری، محمد، ۱۳۸۱، *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، تهران، طرح نو.
۲۰. محمدپور، احمد، ۱۳۹۲، *روش تحقیق کیفی ضد روش مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*، تهران، جامعه‌شناسان.
۲۱. مقیمی، محمد، یوسف و کیلی و مرتضی اکبری، ۱۳۹۲، *نظریه‌های کارآفرینی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. معلوف، لوئیس، ۱۹۷۳ م، *المنجد فی اللغة و الاعلام*، بیروت - لبنان، دار المشرق.
۲۳. مهارتی، یعقوب و محمدحسین رستمی، ۲۰۱۳، *ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان در آیین قرآن و کلام معصومان*، همایش علمی پژوهشی کار و کارآفرینی در فرهنگ رضوی.
۲۴. نصری، عبدالله، ۱۳۹۰، *راز متن هرمنوتیک، قرائت‌پذیری متن و منطق فهم دین*، تهران، سروش.
25. Beattie, S., 2016, Which Entrepreneurial Traits are the Most Critical in Determining Success? Otago Management Graduate Review, No. 14, pp. 13 – 20.
26. Butera, E., 2009, Teaching entrepreneurship in christian perspective, 40th International Faith and Learning Seminar, Thailand, Asia - Pacific International University.
27. Cambridge University Press, 2020, cambridge dictionary: <https://dictionary.cambridge.org>

28. Carswell, P., & Rolland, D., 2004, The role of religion in entrepreneurship participation and perception, *Int. J. Entrepreneurship and Small Business*, No. 3/4, pp. 280 – 286.
29. Carswell, P., & Rolland, D., 2007, Religion and entrepreneurship in New Zealand, *Journal of Enterprising Communities, People and Places in the Global Economy*, No. 1 (2), pp. 162 – 174.
30. Faizal, P. R., Ridhwan, A., & Kalsom, A. W., 2013, August, The Entrepreneurs Characteristic from al-Quran and al-Hadis, *International Journal of Trade, Economics and Finance*, No. 4 (4), pp. 191 – 196.
31. McClelland, D. C., 1987, September, Characteristics of Successful Entrepreneurs, *The Journal of Creative Behavior*, No. 21 (3), pp. 219 – 233.
32. McClelland, D. C., & Alschuler, A. S., 1971, Achievement Motivation Development Project Final Report, Harvard University.
33. Olivari, J., 2016, Entrepreneurial Traits and Innovation Evidence from Chile (DISSERTATION), Maastricht, Universitaire Pers Maastricht.
34. Schultz, D. P., & Schultz, S. E., 2009, *Theories of Personality* (NINTH EDITION ed.), Michele Sordi.
35. Shane, S. A., 2007, *A General Theory of Entrepreneurship, The Individual - opportunity Nexus*, Cheltenham, UK, Edward Elgar.
36. STEVENSON, H. H., & JARILLO, J. C., 1990, Summer, A PARADIGM OF ENTREPRENEURSHIP, ENTREPRENEURIAL MANAGEMENT, *Strategic Management Journal*, No. 11, pp. 17 – 27.
37. Stückelberger, C., Cui, W., Lessidrenska, T., Wang, D., Liu, Y., & Zhang, Y., 2016, *Entrepreneurs with Christian Values Training Handbook for 12 Modules*, Geneva, Kingdom business college & Globethics, net.
38. Tazeen, I., Rizwan, R. A., Streimikiene, D., Riaz, H. S., Parmar, V., & Vveinhardt, J., 2019, September, Assessment of Entrepreneurial Traits and Small - Firm Performance with Entrepreneurial Orientation as a Mediating Factor, *Sustainability*, No. 11, pp. 1 – 23.
39. Tracey, P., 2012, June, Religion and Organization, A Critical Review of Current Trends and Future Directions, *The Academy of Management Annals*, No. 6 (1), pp. 87 – 134.
40. Tsague, P., 2014, Principles of biblical entrepreneurship, nehemiahproject, org.
41. Uwe, F., 2009, AN INTRODUCTION TO QUALITATIVE RESEARCH FOURTH EDITION, SAGE Publications Asia - Pacific Pte Ltd.
42. Veciana, J. M., 2007, January, Entrepreneurship as a Scientific Research Programme, pp. 23 - 71, doi: 10. 1007 / 978 - 3 - 540 - 48543 - 8 - 2.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی